

پانتومیم در اصل واژه‌ای است یونانی که پانتومیموس (Pantomimos) تلفظ می‌شود و از دو جزء Pan به معنی تمام و Mimos به معنی تقلید تشکیل شده است. در اصطلاح پانتومیم به نمایشی اطلاق می‌شود که در آن حالات و احساسات و اندیشه‌ها به کمک عمل، حرکت و حالات چهره و اندام بدون استفاده از کلام و سکوت توسط بازیگر پانتومیم نشان داده می‌شود.

هنر پانتومیم یعنی یکی شدن انسان با اشیاء. هنر پانتومیم هنری است که حتی از مرز سخن‌گفتن نیز فراتر می‌گذارد و مانند موسیقی بر روح انسان تاثیر می‌کند. این هنر افکار و اندیشه را به وسیله نمادها<sup>۱</sup> به تماشاگر انتقال می‌دهد. از سوی دیگر پانتومیم هنر ایجاز است، هنر کوتاه کردن، یعنی با این هنر می‌توان یک نمایشنامه دو ساعته را در عرض پنجاه دقیقه نمایش داد و با یک حرکت می‌توان چندین حرکت را یک جا جمع کرد.

هنرمند پانتومیم در سکوت تصاویری از افکار و احساسات گوناگون را از اعماق وجود خویش بیرون کشیده آنها را به چهره و اندام خود می‌آورد. در این رابطه تا سرحد امکان در هنگام نمایش از استفاده اشیاء و وسایل خودداری می‌نماید و موجودیتشان را با حرکات در رابطه با نقش تجسم می‌بخشد.

هنرمندان و مفسران پانتومیم بر این عقیده‌اند که احساسات و نوسانات متنوع و پیچیده‌ای در انسان‌ها وجود دارد که زبان گاه قادر به بیان آنها نیست و از آنجا که زبان و بیان یک وسیله قراردادی و از پیش تعیین شده است که در هنگام ضرورت و بیان احساسات در چهارچوب خاص دستور زبان به کار برده می‌شود حتی اگر زبان چندین بار به فرهنگ لغات خویش بیافزاید باز هم کاملاً گویا نخواهد بود بلکه رفتار، حرکات و ژست‌های هر شخصیت (کاراکتر) که برای بازگویی احساسات و افکارش به کار می‌رود در طبیعت گویاتر است. ارایه و بیان این احساسات پانتومیم است. هنرمند و بازیگر پانتومیم از طریق موشکافی ماهرانه و تمرینات طولانی که بر روی بدن خود انجام می‌دهد مفاهیم و معانی ژست‌ها در روحش تاثیر کرده، حرکات و رفتار اندامش می‌تواند در وضعیت‌های به خصوصی قرار گیرد که این حرکات یکی از مشخصه‌های هنر پانتومیم است.

اما پانتومیم تنها به معنی تقلید نیست بلکه بازیگر پانتومیم با جست‌وجو در اجتماع و طبیعت حرکات و رفتار انسان و حیوان را مورد مطالعه قرار داده از مجموع آنها حرکات و نکاتی را برگرفته به همراه علامات و حرکات بدنی که بر حسب تجربه دارای معانی و مفهوم هستند و آنها را ((ژست)) می‌نامند برای بیننده عرضه می‌دارد.

درام‌شناسان متفقاً ریشه هنر پانتومیم را به مصر باستان نسبت می‌دهند که بعد به یونان آمده و در یونان توسط بازیگرانی چیره‌دست بارور گردید و سپس در روم باستان به اوج خود رسید.

در یونان باستان، در زمان رونق تراژدی‌های بزرگ (قرن پنجم قبل از میلاد) نمایش‌های پانتومیم ابتدا چندان رونقی نداشت، مشهور است که در همان ایام هنرمندی به نام تلسستس<sup>۲</sup> (Telestes) با مهارتی که در بازیگری این نوع



نمایش‌ها کسب کرد هنر پانتومیم را نیز گسترش داد. یکی از معاصرین این بازیگر در باره او می‌گوید:

کلماتی را که هنرپیشگان بر زبان می‌آوردند تلسطس به وسیله حرکات زیبا مجسم می‌کرد.

ارسطو<sup>۳</sup> فیلسوف یونان باستان در کتاب فن شعر<sup>۴</sup> خود در زمینه تقلید اشاراتی در باره وجود احساس نمایشی در انسان دارد. او معتقد است که در طبیعت انسان نیرویی وجود دارد که آدمی را به تقلید وا می‌دارد. به عقیده او انسان از اینکه اعمال دیگران را تقلید کند و هم از مشاهده تقلیدی که دیگران انجام می‌دهند لذت می‌برد. وی می‌افزاید تقلید از عواملی است که باعث می‌گردد تا آدمی در باره محیط خود بیش‌تر فرا بگیرد و از همین روش کودکان صحبت کردن و بسیاری از رفتار و حرکات را از دیگران می‌آموزند. آنچه مسلم است از قرن پنجم قبل از میلاد اجراهای پانتومیم در یونان کاملاً مرسوم بوده و تماشاگران با آن آشنایی داشته‌اند، لیکن در رود تاریخ ثبت شده‌ای که از این مراسم یاد می‌کند متعلق به سال ۲۱۲ قبل از میلاد است.

بر اساس منابع برجای مانده پی می‌بریم گروه‌های میم و پانتومیم بازیگران دوره‌گردی بودند که در اغلب نقاط حضور داشته و احتمالاً در بسیاری از صحنه‌های موقت هنرنمایی می‌کردند. بازی‌هایشان کوتاه و از نوع کمدهایی که بعدها به آنها فرس<sup>۵</sup> گفته می‌شد بسیار نزدیک بود.

به نظر می‌رسد نمایش‌های پانتومیم در یونان باستان در ابتدا در قیاس با تراژدی‌های بزرگ و یاکمدی‌های آریستوفان<sup>۶</sup> چندان جذابیتی نداشته و میلی را در مردم برنمی‌انگیخت. این نمایش‌ها در اشکال اولیه خود عبارت بودند از ژست‌هایی با معانی خاص که بازیگران با افزودن حرکت به همراه هیجانی خاص به بازگویی احساسات فردی خود می‌پرداختند. از سال ۲۴۰ تا حدود ۷۰ سال قبل از میلاد مسیح را دوره ابتدایی تئاتر روم می‌شناسند، در این دوره آثار نمایشنامه‌نویسان یونانی ترجمه شد و این امر مدیون ترجمه‌های دو نویسنده رومی به نام‌های لیوبوس آندرنیکوس<sup>۷</sup> و کانتوس آپنوس<sup>۸</sup> است. معروف است که روزی لیوبوس آندرنیکوس روی صحنه‌ای در وسط یک عبارت از گفتن بازماند، بی‌درنگ به کمک

ژست‌ها و حرکات بدن منظور خود را بازگو کرد و فهماند. تاریخ این اتفاق به حدود ۲۴۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد، یعنی مدت‌ها بعد از زمانی که بازیگران پانتومیم اهل ((اتروریا))<sup>۱</sup> که به بازیگران پانتومیم اتروسک<sup>۱۱</sup> معروف‌اند در ۴۰۰ سال قبل از میلاد به روم وارد شدند.

اما در روم و در زمان امپراتور اگوست<sup>۱۱</sup> (کمی قبل از تولد حضرت مسیح) است که هنر پانتومیم بر اساس منابع موجود اصول تئاتری خود را تثبیت کرد و این امر بالاخص توسط دو هنرمند این رشته که در آسیای صغیر تولد یافته بودند و سپس به روم رفتند انجام گرفت. روم در این ایام مرکز سرگرمی‌های متنوع نمایشی بود. این دو هنرمند به نام‌های پیلادس<sup>۱۲</sup> و باتیلیوس<sup>۱۳</sup> که اولی متبحر در پانتومیم‌های تراژدی بود و در روم مدرسه‌ای برای تعلیم رقص و پانتومیم تأسیس کرد و در همین مدرسه شاگردی با استعداد به نام هیلوس<sup>۱۴</sup> پرورش یافت که پس از چندی چهره سرشناس و محبوبی در هنر پانتومیم شد و رقیب سرسختی برای استاد خود در مسابقات نمایشی آن زمان گردید.

هنرمند دوم باتیلوس مضمون پانتومیم‌های خود را بیش‌تر بر زمینه‌های افسانه‌های عاشقانه و اساطیر تنظیم می‌نمود. محبوبیت هنرمندان پانتومیم در روم به حدی بود که اگر آنها در کوچه و بازار ظاهر می‌شدند مردم به خصوص جوانان آنها را احاطه می‌کردند.

گفته می‌شود پس از آنکه امپراتور اگوست پیلادس هنرمند مشهور پانتومیم را به خارج از روم تبعید کرد این عمل منجر به واکنش نامطلوبی نسبت به محبوبیت او گردید. از این رو پس از مدتی امپراتور طی فرمانی او را به روم فرا خواند.

گاه نیز این محبوبیت به ناپودی برخی از این هنرمندان می‌انجامید، همچنان‌که این واقعه برای پاریس<sup>۱۵</sup> بازیگر نامی پانتومیم در روم رخ داد. وی به دست نرون کشته شد به دلیل آنکه محبوبیت این هنرمند مخاطراتی برای دربار به وجود آورده بود و دربار را تحت الشعاع قرار داده بود.

نوع دیگری از نمایش‌های پانتومیم مدتی بعد در روم معمول شد. این نمایش‌ها که با حرکات خاص موضوعی را بیان می‌نمود توسط یک بازیگر به اجرا درمی‌آمد که نقش‌های گوناگونی را به تنهایی بازی می‌کرده است. هر یک از این نقش‌ها با تعویض یک چهره‌پوش (ماسک) از نقش دیگر شناخته می‌شد و تمام بازی‌ها با دهان بسته انجام می‌گرفت. داستان را با صدای گُر همراهی می‌کردند و کلیه اعمال با موزیک هماهنگ همراهی می‌شد. عموماً اساطیر یونان در روم مضامین بسیاری از پانتومیم‌ها را به خود اختصاص می‌داد و با حضور بازیگران چیره‌دست پانتومیم به زودی جایی هم‌پای تراژدی را به دست آورد و در میان مردم به طور وسیعی محبوبیت یافت.

علاوه بر آنچه در مورد کم‌شدن علاقه رومی‌ها به تراژدی و گرایش آنها به نمایش‌های پانتومیم شایع است، عامل دیگری هم در ایجاد این تغییر وجود داشته است و آن مسئله وجود زبان‌های گوناگون در سرزمین پنهانور امپراتوری روم فاتح بود که رقم قابل توجهی برده با ملیت‌های متنوع را در خود جای می‌داد. طبیعی است در چنین شرایطی نمایش‌هایی چون پانتومیم که مسئله مهمی چون ((کلام)) در آن دخالتی نداشت امکان رشد داشت. بسیاری از محققین بر این عقیده‌اند که هنر بازیگری هنرپیشگان این نوع نمایش‌ها بسیار درخور توجه بوده و از آنجا که حالت چهره آنها یا با ماسک پوشانده می‌شد و یا بزک می‌گردید بیش‌تر بر حالات و حرکات بدن همراه با ژست‌هایی ظریف تکیه داشتند، بدیهی است برای تسلط بر این شیوه‌ها مدت پرورش آنان سخت و طولانی بود. همچنین آنها موظف به گذراندن امتحانات بودند. این نکته قابل ذکر است که بعد از قرن اول پیش از میلاد هیچ نویسنده‌ای از طریق نوشتن متن‌های تراژدی و کمدی امرار معاش نمی‌کرده است.

با ظهور مسیحیت، دوره طلایی ادبیات روم که از ۷۰ سال قبل آغاز گردیده بود و در زمان سزار اگوست به اوج خود رسیده بود رو به افول نهاد و تا مدتی صحنه‌های تئاتر عرصه مبارزات هیجان‌انگیز گلاادیاتورها، مبارزه با حیوانات وحشی و دیگر اشکال سرگرمی جامعه روم بود و آنگاه از اواخر قرن سوم با پذیرفتن آیین مسیح توسط کنستانتین<sup>۱۶</sup> امپراتور روم سال‌ها از اجرای نمایش توسط مقامات ممانعت به عمل می‌آمد تا اینکه اشکال نمایش‌های مذهبی از دل کلیساها سر برآورد.

بر اساس مدارک موجود از قرن دوازدهم میلادی (قرون وسطی) در انگلستان و برخی نقاط اروپا نوعی نمایش که به پانتومیم معروف بود معمولاً در ایام عید میلاد مسیح به اجرا درمی‌آمد. این نمایش‌ها از فرهنگ عامه و داستان‌های مقبول مردم پانتومیم‌هایی را فراهم می‌ساخت که همراه با موسیقی و رقص به اجرا درمی‌آمدند. این پانتومیم‌ها ابتدا با شوخی‌های مضحک و گاه اغراق‌آمیزی که توسط بازیگران و تیپ‌های شناخته‌شده‌ای به نام‌های کلون<sup>۱۷</sup> و پانتالون<sup>۱۸</sup> صورت می‌گرفت به سرگرم کردن تماشاگران می‌پرداخت.

در قرن نوزدهم این هنر در چند کشور اروپایی بالاخص در فرانسه بسیار مردمی شد و هنرمندان آن را دستمایه‌ای برای ارتباط با مردم قرار دادند چنان‌که در همین دوره در کشور فرانسه شخصیتی به نام ((پیرو))<sup>۱۹</sup> خلق شد که صورت سفیدی داشت و دستمال سیاه‌رنگی به سر می‌بست.

در قرن بیستم نیز هنر پانتومیم گسترش پیدا کرد و با شخصیت‌هایی چون چارلی چاپلین، الیور هاردی، باستر کیتون و مارسل مارسو به صورت یک هنر جهانی درآمد. در همین ایام است که مکتب‌های متعدد پانتومیم نیز مطرح گردید، مکتب فرانسوی و مکتب انگلیسی که در واقع هر دو از مکتب میم ایتالیا تغذیه می‌کردند. شایان ذکر است که هنر پانتومیم نیز مانند هر هنر دیگری برای خود دستور زبانی دارد و از الفبای ویژه‌ای پیروی می‌کند چرا که لازمه پایداری یک هنر کاربرد سبک مخصوص در آن است.

در پانتومیم گاه با واژه‌هایی برخورد می‌کنیم که هر یک دارای مفاهیم و معانی خاصی هستند به عنوان مثال ژست یا ژستیک که عبارت از علامات و تغییرات بدن است که بر حسب تجربه دارای مفاهیم گوناگون است.

استیل، مجموعه فرم‌هایی است که عموماً از رقص‌های اروپایی به همراه فرم‌های باله، حرکات آیینی و رقص‌های مصر باستان، چین، ژاپن و هندوستان و سایر ممالک جهان اقتباس و کسب گردید.

در پانتومیم عوامل متنوعی چون گریم، ماسک، نرمش‌های بدنی، حالت‌های چهره، کش و قوس‌های اجزای چهره برای تجسم بخشیدن به حالت‌های کلی چون گریستن، خندیدن، غمگین شدن و غیره به کار گرفته می‌شود.

امروزه هرچا سخن از پانتومیم به میان می‌آید نام مارسل مارسو<sup>۲۰</sup> چهره خلاق این هنر برایمان تداعی می‌شود. او به واقع نمونه بارزی از هنرمند پانتومیم است که با تکیه بر خلاقیت و توانایی‌های وصف‌ناپذیر خود در زمینه استفاده از حرکات بدنی به جای کلام در واقع به زبانی جهانی و ارتباطی وسیع و گسترده با تماشاگران گوناگون دست یافته است. او که در حقیقت متعلق به پانتومیم مدرن است در یکی از سخنرانی‌های خود چنین می‌گوید:

در سال ۱۹۴۶ میلادی یعنی یک سال بعد از جنگ ویرانگر جهانی زمانی که با دو تن دیگر از اساتید پانتومیم همکاری خود را آغاز کردم متوجه شدم که متأسفانه این هنر در آستانه نابودی است و در کم‌تر جای دنیا می‌توان آن را یافت، حال آنکه حیف بود که این هنر از بین برود چرا که از جمله معدود هنرهای مردمی بود. به همین دلیل تصمیم گرفتم خودم را کاملاً وقف این هنر کنم. من در هنرم وقتی که حرکت می‌کنم در واقع احتیاج به نوعی کلمه دارم و وقتی بدنم را به ((آواز)) درمی‌آورم عمل را با



مارسل مارسو

سکوت نشان می‌دهد. یک هنرمند پانتومیم باید آگاه باشد که حرکات او در فضا صورت می‌گیرد. بنابراین باید به فضا تکیه دهد و برای آن وزن سنگینی قایل شود. همچنین این را هم بداند که مهم‌ترین موضوع‌های هنر پانتومیم بر اساس سادگی است و بعد از آن به پیچیدگی می‌رسد. هنرمند پانتومیم زمانی که به ایفای نقش می‌پردازد در حقیقت دیگر به جا و اقلیم خاصی تعلق ندارد بلکه متعلق به همه جاست، چرا که خنده، گریه و احساس‌های متنوع بشری خاص سرزمین به خصوصی نیست این فعل و انفعالات انسانی در همه دنیا و میان همه مردمان با رنگ، زبان و نژادهای مختلف وجود دارد. این را هم بگویم که با پانتومیم همه چیز را می‌توان نشان داد به جز دروغ، چرا که هنر پانتومیم فقط بازگوکننده حقایق است و دروغ زمانی به میان می‌آید که سخنی گفته شود، به این ترتیب دروغ فقط در قالب کلمات می‌گنجد نه در قالب حرکات.<sup>۲۱</sup>

## بی نوشت ها:

1. Symbol

2. Telestes

۳. ارسطو (Arestu) فیلسوف یونانی در قرن چهارم قبل از میلاد (۲۸۴-۲۲۲ ق م).

۴. فن شعر یا پوئتیکا (Poetika) کتاب معروف ارسطو که در آن تراژدی، حماسه و شعر مورد بررسی قرار گرفته است.

۵. فرس (Fars)، نوعی نمایش کمدی سرگرم کننده و شاد.

۶. آریستوفان (Aristophane)، کمدی نویس یونان باستان.

7. Livius Andronicus (۲۸۰-۴۴۸ ق م).

8. Gnaeus Naevius

۹ و ۱۰. آتروریا (Etruia) یا Etruscan نام ناحیه ای از

سرزمین روم.

11. August

12. Pylades

13. Bathyllus

14. Hylose

15. Paris

16. Constantine

17. Clown

18. Pantaloon

19. Piero

20. Marcel Marso

۲۱. مارسل مارسو (گفتگو) روزنامه رستاخیز شماره ۸۸۶

تاریخ ۱۳۵۷/۱/۲۴.

## منابع :

1. A Dictionary of Theatre.

John Russel Taylor, Penguin Book.

۲. تاریخ تئاتر Oskar-Brockett جزوه دانشگاه ایندیانا،

ترجمه دکتر پرویز سنون.

۳. روزنامه رستاخیز شماره ۸۸۶.



پروژیکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی